

افغانستان و هند

روابط تاریخی این دو کشور کهن

- ۲ -

شکست انگلیس ها در جنگ اول افغان و انگلیس به قیمت زیادی تمام شد که لاردا کلیند گورنر جنرال هند در سال ۱۸۳۸ که مسئول این جنگ بود از وظیفه سبکدوش شد و شاه شجاع که به جای امیر دوست محمد خان به افغانستان تحمیل شده بود با تمام قوای انگلیس به قتل رسیده و تنها يك دا کتر بنام برایدن از کابل زنده برآمد و داستان رقت بار قوای انگلس را به هند اطلاع داد بالاخره انگلیس ها که با حیل و دسایس و معاهدات مغلق غیر مساویانه و غیر حقوقی قسمتی از خاک های افغانستان را تا اندوس جدا نمودند خود را در این جانب خیبیر آرام گرفتند و دروازه های تاریخی هند و افغانستان را بسته نمودند و برای استفاده از مستعمره هند متوجه گردیدند. در این مدت افغانستان به امور هند بی علاقه نبود و از سال ۱۸۵۲ که آزادی خواهان هند بر ضد برطانیه قیام می کردند علاقه و پشتیبانی نشان می داد. چنانچه آزادی خواهان هند همیشه افغانستان را پناه گاه خود می دانستند - مجاهدین سیاسی هند همیشه با آغوش باز در افغانستان استقبال می شدند. جنگ اول جهان حرکت ضد استعمار رادر هند و افغانستان شدت بخشید بعضی آزادی خواهان هند که در داخل موفق نشدند برای انگلیس ها مشکلات ایجاد کنند به فکر آن افتادند که این کار از افغانستان بهتر صورت گرفته می تواند چنانچه راجامهند را پرتاپ برکت الله - اردیال - کرشناجی - ورما - مادام کاما به این عقیده بودند .

راجه مهند را پرتاپ بالاخره موفق شد که از هند خارج شده در ۱۹۱۵ در برلین برسد و از آنجا جانب کابل رهسپار شد. در این سفر برکت الله با وی همراه بود. راجه مهند را پرتاپ و برکت الله به تاریخ ۲۳ اگست ۱۹۱۵ به هرات رسیدند.

راجه مهند را در کتاب شرح حیات خود از میهمان نوازی پادشاه وقت امیر حبیب‌الله خان واستقبال مردم کابل در دوم اکتبر ۱۹۱۵ به گرمی و سپاسگراری یاد می‌کند. در کابل دو نفر آزادی خواهان سک و مولوی عبیدالله که به جرم افکندن بم درهند محکوم شده بودند نیز با راجه مهند را پرتاپ یکجا شدند و تحت همین مهمان - نوازی بود که اولین حکومت موقتی هند در خارج از طرف همین گروپ در افغانستان تأسیس گردید. راجه به حیث رئیس، مولانا برکت‌الله به حیث صدراعظم، و مولوی عبیدالله به حیث وزیر داخله در این حکومت تعیین گردیدند و این حکومت موقتی با افغانستان به عقد معاهده پرداخت و سراج الاخبار (۱) به طرفداری از آزادیخواهان هند مقالاتی نشر کرد و حتی نطق « ترکنات داس » یکی از انقلابیون برجسته هند در سراج الاخبار نشر گردید. چنانچه هیللی چیف کمشنر دهلی بعد بر استخبارات جنائی سر کلیف لندا از لهجه مخاصمانه سراج الاخبار شکوه نمود و ورود آن را خواست نمود در هند منع قرار دهند. حکومت موقتی هند در کابل هیأت سیاسی را تحت شمشیر سنگ و محمود علی با مکاتیب به ترکستان روسی و نزد دولت روس فرستادند و نیز مکاتیب معروف به ابریشم به حیدرآباد و از آنجا به مدینه فرستاده شد و حتی ترتیب تأسیس يك لشکر بنام « مجاهدین الهی » تحت اداره محمود حسن تشکیل شد. مولانا ابوالکلام آزاد نیز با این مجاهدین داخل تماس بود و در این وقت اخبار الهلال را نشر می‌کرد - وقتی انگلیس‌ها از این همکاری مولانا آزاد واقف شدند در محبس « ران چی » حبس شد.

در دوران سلطنت اعلیحضرت امان‌الله خان نیز راجه مهند را پرتاپ از طرفداری اخلاقی و پولی برخوردار بود و از افغانستان مقالات راجه پرتاپ برای نشر به جراید هندی ملاپ - زمیندار - بنده مردم - سواراج لاهور و الکالی امرتسر ارسال می‌شد - وقتی راجه مهند را پرتاپ افغانستان را ترک می‌کرد اعلیحضرت امان‌الله خان او را به حضور خود پذیرفت و ۳۰۰ یوند برای سفر وی بخشش داد.

۱ - روزنامه‌ئی بود که به وسیله آزادیخواه نامی و شجاع و شاعر افغانستان به زبان فارسی دری بسیار زیبا و فسیحی انتشار می‌یافت.

می‌گویند وقتی پادشاه با مهاراجه خدا حافظی کرد به وی گفت فعلا وقت برای بان‌اسلامیزم مساعد نیست بلکه بهتر است «اتحادیه آسیا» را عملی سازیم.

به تعقیب آن در سال ۱۹۱۹ مهاجرین کمیته خلافت که علیه استعمار قد علم کرده بودند به افغانستان پذیرفته شدند - خان عبدالغفارخان و برادران سهروردی در زمره این مهاجرین بودند.

هنگامیکه افغان‌ها در سال ۱۹۱۹ جنگ را علیه انگلیس‌ها برای آزادی کامل افغانستان و به منفعت آزادی‌خواهان هند اعلان کردند تمام آزادی‌خواهان هند موقع را غنیمت دانستند هنگامیکه هیأت صلح افغانستان تحت ریاست علامه طرزی وزیر خارجه اول بعد از جنگ سوم افغان و انگلیس در میسوری آمد باز عمای انقلابی هند اظهار همکاری نموده و باموتی لال نهر و جواهر لعل نهر و که در هوتل میسوری اقامت داشتند در تماس شد و وسیله ناظر مالیه افغانستان دیوان نرجن داس بود که نهر و بوی علاقه خاص گرفت و در اثر همین تماس بود که نهر و حبس شد و وقتی هیأت افغانی از آن واقف شد هر روزه يك سبد گل به مادر او می‌فرستادند و نهر و از این دید و بازدید وی و پدرش با هیأت افغانی در آثارش بگرمی یاد می‌کند و می‌گوید افغان‌ها او و پدرش را به افغانستان دعوت کردند.

چای خوشیست که جواهر لعل نهر و دخترش صدراعظم توانای فعلی هند به حیث صدراعظم کشورشان به افغانستان بعد از آزادی دعوت گردیدند.

افغان‌ها وقتی با برطانیه در ۱۹۱۹ داخل جنگ شدند که «رولت بل» که بنام قانون سیاه‌هند نامیده می‌شد و گاندي عدم همکاری را به آن اعلان کرد و انگلیس‌ها در اپریل ۱۹۱۹ در «جالیان والاباغ» به مظاهره چیان آتشباری کردند و صدها نفر بیگناه کشته شد و حکومت و مردم افغانستان سخت از آن متأثر شدند. در هنگام جنگ عمومی دوم مردم انقلابی دیگر هند سو باس چند راهوس به افغانستان فرار کرد و بگرمی از طرف افغان‌ها استقبال شد و از افغانستان بود که به ایتالیه

جرمنی و جایان سفر نمود. گویا تا وقتیکه هند به آزادی نایل شد افغان‌ها از حرکات آزادی‌خواهی‌شان پشتیبانی نموده - حالا که هند به حیث یک کشور بزرگ با سرتاسر جهان مناسبات سیاسی و اقتصادی دارد باید بداند که در روزهای بد و مشکل یگانه دوست و پشتیبان آن افغانستان بوده و یقین است که افغانستان و هند که فعلاً به حیث دو کشور بی‌طرف و صلح‌خواه یک نوع پالیسی جهانی را تعقیب می‌کنند روز بروز به تحکیم بیشتر مناسبات که ریشه چند هزار ساله دارد پیردازند زیرا روابط هند و افغانستان روابطی نیست که مانند سایر ممالک بعد از استقلال هند شروع شده باشد بلکه روابط چند هزار ساله می‌باشد که باید به آن وفا دار بود - خاصاً که افغانستان پناهگاه انقلابیون و آزادی‌خواهان هند بوده و هر دو کشور یکجا برای آزادی خویش علم برداشتند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 غزل
 تاریخچه علوم انسانی

| | |
|--|---|
| <p>بادیده فتنه کرد چو پا پیشتر گذاشت زان نکته‌های نغز که پیش نظر گذاشت لیموی تر ز سینه سیمین بیر گذاشت مرغ هوس بسوی هدف نغمه گر گذاشت زان آتش نگاه مرا در خطر گذاشت نور امید وصل بوقت دگر گذاشت آنرا در آب‌کینه لطف و شکر گذاشت دل را اسیر حیلت نوع بشر گذاشت زین دلستان که پای باوج ظفر گذاشت زین مؤده وصال که مرغ سحر گذاشت</p> | <p>خندان زد در آمد و بر دل اثر گذاشت آشفته کرد کلبه خاطر چو لب گشود خشکیده بود کام من از رنج روزگار در جامه عروس چمن صد کرشمه ریخت عشق نهان عیان شد و نقشی بدیده زد در موقعی که سخت گرفتار وی شدم تا در پیاله زهر فراقش توان چشید در خلعت گرامی رندان پارسای گفتم بسوز سینه که آهی برون مده فصل بهار میرسدت غم مخور ادیب</p> |
|--|---|